

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره 2، زمستان 1391، پیاپی 2

صفحات 65-78

فرایند شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر تولید ذغال در روستاهای منطقه سیمکان (فارس)

علی اکبر عنابستانی*، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی
مجتبی روستا، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش نهایی: 1391/11/29

دریافت مقاله: 1391/07/02

چکیده

در شرایط فعلی، کشاورزی مهم‌ترین فعالیت اقتصادی در اغلب روستاهای ایران بوده و علاوه بر تضمین نیازهای مصرفی جمعیت، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و غیره نقش اساسی در اقتصاد خانوارهای روستایی دارد. در بسیاری از نواحی روستایی کشور کشاورزی به تنهایی جوابگوی معیشت خانوارهای روستایی نبوده و نقش فعالیت‌های اقتصادی مکمل از قبیل واحدهای تولیدی ذغال می‌تواند حائز اهمیت باشد. هدف از این تحقیق فرایند شکل‌گیری واحدهای تولید کننده ذغال و دلایل پیدایش آن در سطح روستاهای منطقه سیمکان در استان فارس بوده است. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی - تحلیلی است که برای گردآوری اطلاعات از روش‌های میدانی (پرسشنامه) کمک گرفته شده و بر اساس آن علاوه بر شوراها و دهیاران 40 روستای مورد مطالعه، از 249 خانوار روستایی نمونه پرسشگری به عمل آمده است. نتایج نشان می‌دهد که ظهور اقتصاد مبتنی بر تولید ذغال در نواحی روستایی مورد مطالعه از دهه 1370 شروع شده، اما در دهه 1380 روند فزاینده‌ای به خود گرفته است و بیشترین تراکم آن در سطح دهستان پل به پایین و روستاهای کوشک‌سار، محیط آب و آب‌شیخ می‌باشد. مقایسه درآمد حاصل از واحدهای تولیدی ذغال در سطح روستاها با میانگین درآمد سالیانه هر خانوار روستایی نشان می‌دهد که هر خانوار تولید کننده ذغال 2/5 برابر سایر خانوارهای روستایی درآمد خواهد داشت، علاوه بر این رابطه معناداری بین نرخ بیکاری ($r=0/274$) و سرانه اراضی کشاورزی ($r=-0/224$) و تعداد واحدهای تولید کننده ذغال وجود دارد که معرف همبستگی قابل قبول بین وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی و گسترش اقتصاد مبتنی بر تولید ذغال در سطح منطقه است. با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهایی از قبیل ایجاد کارخانه بسته‌بندی ذغال، تشکیل اتحادیه، پوشش بیمه‌ای پیشنهاد شده است. کلمات کلیدی: اقتصاد روستایی، تولید ذغال، اراضی کشاورزی، نرخ بیکاری.

*نویسنده مسئول: 09155719016 E-mail: anabestani@um.ac.ir

1) مقدمه

اقتصاد روستایی سلسله فعالیت‌های اقتصادی است که در محیط روستا و خارج از روستا انجام می‌شود، بنابراین هر نوع فعالیتی که در محیط روستا و خارج از آن انجام شده که خانوار روستایی از آن منتفع گردد در زمره اقتصاد روستایی قرار می‌گیرد. اغلب روستاها از دیرباز محل تولید محصولات کشاورزی بوده‌اند، بنابراین درصد بالایی از معیشت روستاییان در رابطه با استفاده از زمین قرار دارد، بدین جهت به علت وجود وجوه اشتراک اقتصاد روستایی و اقتصاد کشاورزی گاهی این دو واژه به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند و حال این که دو مفهوم کاملاً متمایز هستند (مهدوی، 1383: 153-154). مفهوم اقتصاد روستایی به معنای نگرش در آن به عنوان یک بخش مجزا و مستقل نیست، بلکه باید آن را شاخه‌ای از اقتصاد دانست که با اقتصاد کشاورزی وابستگی متقابل دارد. اقتصاد روستایی، در کلیت خود، جزیی از اقتصاد ملی به حساب می‌آید؛ بنابراین هرگونه تغییر در اقتصاد ملی موجب دگرگونی در اقتصاد روستا خواهد شد و برعکس. اقتصاد روستایی باید از اقتصاد کشاورزی متمایز شود، چون اقتصاد روستایی با مسایل فرد فرد روستاییان سروکار دارد (خواه کشاورز یا غیر کشاورز) در حالی که اقتصاد کشاورزی به مشکلات یک کشور یا یک جامعه و حداقل یک واحد کشاورزی به صورت کلی رسیدگی می‌کند (آسایش، 1374: 12-13).

اقتصاد روستایی شامل تمام فعالیت‌های اقتصاد کشاورزی و غیر کشاورزی در مناطق روستایی است. در شرایط فعلی، کشاورزی مهم‌ترین فعالیت اقتصادی در اغلب روستاهای ایران بوده و لازم است به عنوان محور برنامه‌های توسعه قرار گیرد. محوریت کشاورزی و روستا در برنامه‌های توسعه، بدین معناست که از بخشی نگری محض پرهیز شده و مناطق روستایی به عنوان مکان‌های تولیدی مورد توجه قرار گرفته و به صورت هماهنگ عمل نمایند. بخش کشاورزی علاوه بر تضمین نیازهای مصرفی جمعیت، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و ... نقش اساسی در اقتصاد خانوارهای روستایی دارد (یاسوری، 1386: 7). کشاورزی مهم‌ترین فعالیت در نواحی روستایی است. بنابراین، گذر از کشاورزی سنتی، تعیین قیمت مناسب برای محصولات کشاورزی، تضمین عوامل تولید کشاورزی برای روستاییان، تضمین در مالکیت آن‌ها، توجه به آموزش، تضمین سرمایه و نهاده‌ها در بخش کشاورزی، در افزایش درآمد مؤثر است. ایجاد فعالیت‌های جنبی و تلفیقی در نواحی روستایی نیز به شدت سبب افزایش درآمد می‌گردد (مطیعی لنگرودی، 1382: 160).

در زمینه اقتصاد روستایی و تنوع‌بخشی به آن مطالعات متعددی در کشور صورت پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جوان و سقایی (1382) در پژوهشی تحت عنوان رهیافتی برای تنوع اقتصاد روستایی نشان می‌دهند که رهیافت تلفیق کشاورزی و گردشگری در ابعاد گردشگری کشاورزی و مزرعه‌ای، به عنوان گونه‌هایی از گردشگری روستایی، و نیز آثار و هدف‌های آن در پویایی و تنوع اقتصاد روستایی و به خصوص در خانوارهای کشاورز مورد مطالعه قرار گرفته است. عنابستانی (1382) در پژوهشی تحت عنوان پایداری‌سازی اقتصاد روستایی از طریق یکپارچه نمودن توان‌های تولیدی بخش کشاورزی معتقد است که با توجه به توان بالقوه بخش کشاورزی در منطقه، استراتژی پایداری‌سازی اقتصاد روستایی از طریق اصلاح در نظام بهره‌برداری، الگوی کشت، شیوه‌های آبیاری، مدیریت واحدهای زراعی، بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌گذاری‌ها امری دور از دسترس نیست. آمار و همکاران (1383) در تحقیقی تحت عنوان

کارکرد اقتصادی نواحی روستایی پس از جمع‌آوری اطلاعات و بررسی وضع موجود که در بخش خورگام شهرستان رودبار انجام گرفته است راهکارهایی در زمینه تنوع سازی درآمد و معیشت در زمینه بخش کشاورزی (نوآوری‌هایی چون استفاده از بذره‌های اصلاح شده گندم و جو، رعایت تناوب زراعی، حذف آیش و جایگزین کردن محصولات تجاری به جای محصولات سنتی، پرورش ماهی) و همچنین در بخش صنعت و معدن (ایجاد صنایع غذایی یا فرآورده‌های تولید دامی، ایجاد کارخانه بسته‌بندی آب معدنی، بهره‌برداری از ظرفیت‌های معدنی ناحیه) و همچنین در بخش گردشگری (ایجاد اردوگاه گردشگری، کمپ‌های استراحتی و ...) ارائه می‌دهد.

نوری و علی محمدی (1388) در پژوهشی تحت عنوان تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در شهرستان اصفهان نشان می‌دهند که انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال، در کنار فرصت‌های فعالیت در وضع موجود و نظر همسر و خانواده، مهمترین شاخص‌های مؤثر بر فعالیت اقتصادی و چگونگی آن برای زنان منطقه روستایی برآن است.

با توجه به اهمیت اقتصاد در جوامع روستایی و تأثیری که این بخش در ماندگاری جمعیت در روستاها دارد، بررسی جایگاه تولید ذغال به عنوان پدیده‌ای نوظهور در مناطق روستایی بخش سیمکان از توابع شهرستان جهرم در استان فارس که می‌تواند به عنوان یک فعالیت مکمل در کنار فعالیت‌های اصلی اقتصادی یعنی کشاورزیراهکاری مناسب برای افزایش سطح درآمد کشاورزان، افزایش فرصت‌های اشتغال و رونق جوامع روستایی در سطح منطقه مورد مطالعه باشد.

(2) مواد و روش‌ها

موقعیت ناحیه مورد مطالعه - موقعیت جغرافیایی در نظر کارشناس جغرافیای روستایی گویای بسیاری از ویژگی‌های روستا از جمله جمعیت، نوع فعالیت‌ها، امکان دسترسی به منابع و توان‌های بالقوه برای رشد و توسعه است. براین اساس، یک موقعیت دشتی در مقایسه با موقعیت کوهستانی از ابعاد مختلف تفاوت‌های چشم‌گیری دارد (سعیدی، 1379: 40). منطقه مورد مطالعه یعنی بخش سیمکان یکی از بخش‌های شهرستان جهرم در استان فارس دارای 40 آبادی دارای سکنه با 3784 خانوار و 17241 هزار نفر جمعیت بوده و کشاورزی به عنوان مهم‌ترین فعالیت اقتصادی منطقه محسوب می‌گردد. این دهستان از سمت شمال به بخش خفر، از شرق به بخش مرکزی، از سمت غرب به شهرستان فیروزآباد و از سمت جنوب به شهرستان قیر و کارزین محدود می‌گردد. مساحت آن 942/5 کیلومتر مربع و معادل 16/5 درصد از کل وسعت شهرستان جهرم را در بر می‌گیرد (بخشداری سیمکان، 1389).

بخش سیمکان از سه دهستان به نام‌های پل به پایین، پل به بالا و پشت‌پر تشکیل شده است. مرکز این بخش روستای دوزه است. این بخش در شمال غربی و غرب شهرستان جهرم واقع شده و همراه با بخش خفر از نظر تاریخی بسیار قدیمی است. بخش سیمکان دارای آب و هوایی مرطوب بوده و آب زراعتی و آشامیدنی آن از رودخانه‌های میمند، سیمکان و قره آغاج و همچنین از چشمه سارهای متعددی که از سلسله کوه‌های گرم و پلنگی در قسمت جنوبی این بخش واقع است، تأمین می‌گردد (کرمی، 1381: 10).

روش تحقیق - روش تحقیق در این مطالعه توصیفی - تحلیلی است، بخشی از داده‌های تحقیق از طریق مطالعات میدانی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه و بخشی دیگر از داده‌های مورد نیاز مانند چارچوب نظری - مفهومی پژوهش، اسناد و مدارک و سرشماری‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای بدست آمده است. در سطح منطقه مورد مطالعه تمام آبادی‌های دارای سکنه با تعداد 40 روستا و جمعیت 17/2 هزار نفر به صورت تمام شماری انتخاب شده‌اند. از جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای برابر با 249 خانوار انتخاب و با مراجعه به روستاها، پرسشنامه‌ی خانوارهای روستایی تکمیل و اطلاعات مورد نظر بدست آمد. پس از جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آنها در محیط‌های نرم‌افزاری SPSS, ArcGIS و ... به تحلیل داده‌ها و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شد.

سؤال آغازین تحقیق این است که آیا با توجه به پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی در سطح منطقه و دخالت عوامل گوناگون ضریب تأثیرپذیری اقتصاد روستایی از تولید ذغال چقدر است؟ بنابراین تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای سؤال فوق و یافتن دلایل گسترش فعالیت تولید ذغال و میزان استقبال اهالی از آن در سطح منطقه می‌باشد. در نتیجه فرضیه تحقیق حاضر را می‌توان به این شکل تدوین نمود، به نظر می‌رسد به دلیل کاهش قیمت محصولات زراعی و دامی، کشاورزان منطقه در سال‌های اخیر به تولید ذغال روی آورده و جایگاه قابل توجهی در اقتصاد خانوار روستایی را به خود اختصاص داده‌اند.

(3) یافته‌های تحقیق

توزیع فضایی جمعیت و روند تحولات آن در سطح روستاهای منطقه - انتخاب محل هر یک از سکونتگاه‌های روستایی علاوه بر عوامل طبیعی، بر پایه عوامل و انگیزه‌های متنوعی از قبیل سازگاری و انطباق مطلوب با محیط‌های طبیعی و امکان‌پذیر ساختن شیوه خاص اقتصادی از طریق بهره‌برداری از این گونه محیط‌ها، برخورداری از امکانات ارتباطی، انگیزه‌های سیاسی و نظامی و انگیزه‌های فرهنگی و مذهبی صورت می‌پذیرد (استعلاجی، 1384: 121). میزان و حجم جمعیت در یک سکونتگاه انسانی از عوامل مؤثر در پایداری روستاها به شمار می‌رود. زیرا در صورت وجود حجم جمعیت قابل توجه در یک روستا، امکان پیدایش فعالیت‌های اقتصادی متنوع، جذب امکانات خدماتی و رفاهی فراهم می‌گردد.

در بررسی آماری که در سال 1385 در سطح جامعه روستایی منطقه انجام پذیرفته، مشاهده می‌شود که از کل 40 روستا، 12 روستا با جمعیت 8311 نفر در گروه جمعیتی 100 تا 249 خانوار قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر 30 درصد روستاها، 48/2 درصد جمعیت روستایی را در خود جای داده‌اند، علاوه بر این، 12 روستا با جمعیت 3828 نفر در گروه جمعیتی 50 تا 99 خانوار واقع شده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت تعداد روستاهای با حجم نسبتاً زیاد جمعیت (بالای 100 خانوار) با رقم 14 روستا (35 درصد) حدود دو سوم کل جمعیت روستایی منطقه را شامل شده و بیشتر در مناطق جنوبی منطقه که عوارض توپوگرافیکی کمتر می‌باشد، استقرار پیدا کرده‌اند.

جدول (1): پراکندگی جمعیت در آبادی‌های منطقه در سال 1385

طبقات خانواری	تعداد آبادی	درصد	جمعیت	درصد
کمتر از 20	3	7/5	72	0/4
بین 20 تا 49	11	27/5	1804	10/5
بین 50 تا 99	12	30	3828	22/2
بین 100 تا 249	12	30	8311	48/2
بین 250 تا 499	2	5	3226	18/7
جمع	40	100	17241	100

مأخذ: مرکز آمار ایران، 1385.

در روند تحولات جمعیتی در روستاهای منطقه مشاهده می‌شود که جمعیت کل منطقه از 16887 نفر در سال 1375 به 17241 نفر در سال 1385 افزایش یافته و نرخ رشد سالانه‌ای معادل 0/2 درصد را نشان می‌دهد. در توزیع فضایی نرخ رشد سالانه جمعیت در آبادی‌های منطقه، 18 روستا دارای نرخ رشد منفی، 12 روستا دارای نرخ رشد صفر تا یک درصد و فقط 10 روستا دارای نرخ رشد سالانه‌ای بیشتر از یک درصد بوده‌اند.

وضعیت اشتغال روستاییان در سطح منطقه - یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در سطح روستاهای نمونه که در این جا 7 روستا را شامل می‌گردد بیشترین فعالیت اقتصادی روستاییان ابتدا در زیر بخش کشاورزی با 45/2 درصد و بعد از آن در زیر بخش خدمات با 42/3 درصد صورت می‌گیرد و عمده فعالیت اقتصادی روستاییان در بخش خدمات شامل کارگری فصلی در نواحی شهری است. بخش صنعت درصد بسیار پایینی از فعالان اقتصادی را به خود جذب نموده است، بنابراین رویکرد جدید در سطح منطقه یعنی رواج کارگاه‌های تولید ذغال می‌تواند تا حدودی به تعادل بخشی فعالیت‌های اقتصادی کمک نماید.

جدول (2): درصد فعالیت اقتصادی شاغلان منطقه در بخش‌های مختلف در سطح روستاهای نمونه.

بخش اقتصادی	تعداد	درصد
کشاورزی	540	45/2
صنعت	149	12/5
خدمات	506	42/3
جمع کل	1195	100

مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1390.

روند گسترش کارگاه‌های تولید ذغال در سطح منطقه - کارگاه‌های تولید ذغال به عنوان یک فعالیت مکمل اقتصادی در کنار فعالیت‌های اقتصادی غالب در سطح منطقه در سالیان اخیر به دلایل متعددی گسترش یافته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عمدتاً شکل‌گیری کارگاه‌های تولید ذغال در سطح روستاهای منطقه مربوط به دهه 1380 است و تعداد بسیار کمی از این کارگاه تا قبل از این دهه در این منطقه فعالیت داشته‌اند.

جدول (3): روند شکل‌گیری و گسترش واحدهای تولید ذغال در سطح منطقه.

زمان شکل‌گیری	فراوانی	درصد
2-3 سال قبل	21	5/8
3-4 سال قبل	47	13/1
4-5 سال قبل	33	9/2
5-6 سال قبل	124	34/6
7-8 سال قبل	88	25/6
بیش از 10 سال	45	12/6
جمع کل	358	100

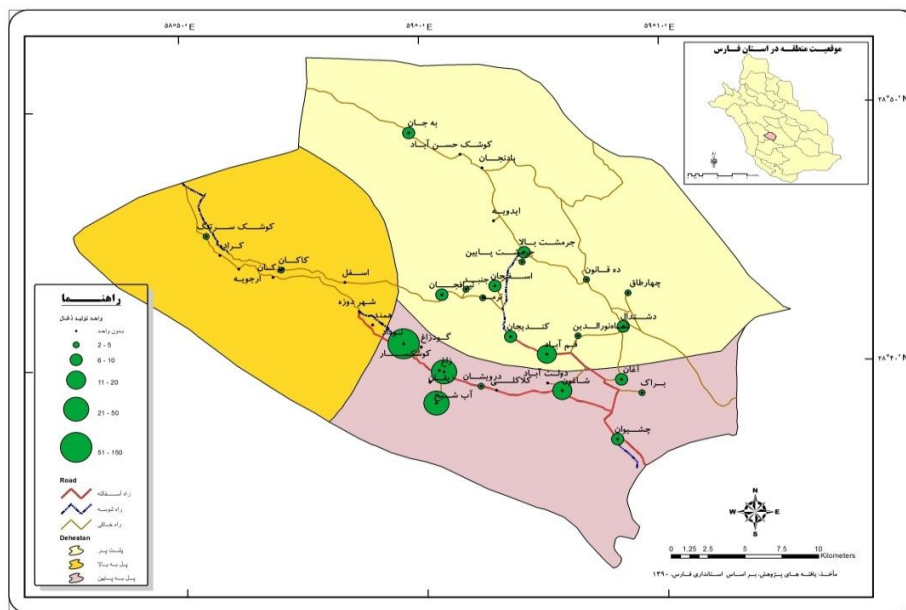
مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1390.

در بررسی میدانی که در خصوص رواج کارگاه‌های تولید ذغال در سطح منطقه مورد مطالعه انجام پذیرفت، نتایج نشان می‌دهد که کمبود درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی و تضمین نشدن مخارج زندگی (35 درصد)، کسب درآمد بیشتر (30 درصد) و بیکاری و ایجاد اشتغال (35 درصد)، از علل اصلی گرایش روستاییان به سمت تولید ذغال بوده است. **توزیع فضایی کارگاه‌های تولید ذغال در روستاها** - با استفاده از نتایج پرسشنامه‌های تکمیلی در سطح روستاهای مورد مطالعه، در سال 1390، تعداد 385 کارگاه تولید ذغال در سطح روستاهای منطقه وجود دارد، که در این میان دهستان پل به پایین در بین دهستان‌های مورد مطالعه با 26/1 درصد در بالاترین رتبه و دهستان پل به بالا با 0/5 درصد در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرد. در مجموع در سال 1390، تعداد 358 خانوار روستایی در سطح روستاهای مورد مطالعه دارای کارگاه تولید ذغال بوده که 9/5 درصد کل خانوارهای روستایی را شامل می‌گردد.

جدول (4): توزیع فضایی کارگاه‌های تولید ذغال در منطقه‌ی مورد مطالعه در سال 1390

نام	تعداد خانوار		تعداد کارگاه		درصد خانوارهای دارای کارگاه
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
دهستان پشت‌پر	1267	33/6	78	21/8	6/1
دهستان پل به بالا	1458	38/6	7	2	0/5
دهستان پل به پایین	1047	27/8	273	76/2	26/1
جمع	3772	100	358	100	9/5

مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1390.



تصویر (1): توزیع فضایی واحدهای تولید ذغال در منطقه مورد مطالعه

فرآیند تهیه ذغال در سطح روستاهای منطقه— یکی از نکات قابل توجه در تولید ذغال در شهرستان چهارم آن است که 90 درصد چوب مورد استفاده در کارگاه‌های تولید ذغال منطقه از شمال کشور (شهرهای ساری، قائمشهر، آمل، بابل، رامسر، تنکابن و ...) تهیه می‌شود. این فرایند اگرچه از سال 1375 تولید ذغال آغاز شده است، ابتدا به صورت محدود بوده، اما اکنون به دلیل خشکسالی و نبود درآمد به طور وسیع انجام می‌گیرد که تقریباً به صورت نوعی تجارت برای روستاییان درآمد است. مثلاً روستاهای کوشک‌سار، دولت‌آباد، زاغ، گودزاغ و ... حدود 95 درصد خانوار آنها به تولید ذغال مشغول‌اند، لازم به ذکر است که ابتدا روستاهای کوشک‌سار و گودزاغ پیشرو و آغازکننده ذغال بودند و به دنبال آن روستاهای دیگر هم شروع به تهیه ذغال نمودند.

بررسی درآمد اقتصادی خانوارهای روستایی و نقش تولید ذغال در آن— کاهش میزان فعالیت در بخش کشاورزی دلایل زیادی دارد، ولی ارتباط بازار کار و مهاجرت از مناطق روستایی دارای اهمیت ویژه‌ای است. با توجه به آمارهای موجود بیشترین مهاجرت از نواحی روستایی به دلیل اختلاف سطح درآمد بین شهر و روستا است. به نحوی که مهاجران بخش کشاورزی که دارای درآمد پایین‌تری هستند، به طرف مناطق با درآمد بالاتر (شهرها) سرازیر می‌شوند (هاشمی داران، 1378، 11). بر این اساس سطح درآمد ماهانه و سالانه روستاییان در سطح منطقه‌ی مورد مطالعه بررسی و نتایج آن نشان داد که 9/8 درصد روستاییان دارای درآمد کمتر از 100 هزار تومان در ماه، 28/5 درصد دارای درآمدی بین 100 تا 200 هزار تومان در ماه، 48 درصد دارای درآمدی بین 200 تا 300 هزار تومان در ماه، 11/2 درصد دارای درآمدی بین 300 تا 500 هزار تومان در ماه و 2/5 درصد دارای درآمدی بیش از 500 هزار تومان در ماه بوده‌اند؛ بنابراین درآمد سالیانه هر خانوار روستایی در منطقه رقمی حدود 4/1 میلیون تومان را نشان می‌دهد.

با توجه به هزینه‌های یک خانوار روستایی در سال 1388 که رقمی در حدود 6/8 میلیون تومان برای هر خانوار ساکن در استان فارس را نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، 1389)، میزان درآمد فعلی تنها جوابگوی بیش از نیمی از هزینه‌های سالانه‌ی یک خانوار روستایی خواهد بود، بنابراین به طور طبیعی روستاییان در سطح منطقه به دنبال راهکارهای افزایش درآمد خود می‌باشند که روی آوردن به تولید ذغال یکی از این منابع درآمدی خواهد بود.

جدول (5): میزان درآمد ماهانه خانوارهای روستایی در سطح منطقه

میزان درآمد (میلیون ریال)	فراوانی	درصد
کمتر از یک	24	9/8
بین یک تا دو	71	28/5
بین دو تا سه	119	48
بین 3 تا 5	28	11/2
بیش از 5	7	2/5
جمع کل	249	100

مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1390.

درآمدزایی تولید ذغال در اقتصاد خانوار روستایی: با توجه به نوسانات قیمت چوب در بازار و ذکر این نکته که عمده‌ی چوب مصرفی در کارگاه‌های تولید ذغال منطقه از شمال (90 درصد) تأمین می‌شود، در حال حاضر قیمت هر کیلو چوب 1600 ریال بوده که برای یک 10 تن (مصرفی یک کوره) چوب 1/5 تومان می‌شود. سبوس برنج از کامفیروز تهیه شده که در هر مرتبه 1500 کیلوگرم و قیمت آن بین 170-150 هزار تومان برآورد می‌گردد. در بسته 30 عددی کارتن 7 هزار تومان قیمت دارد. یک کوره‌ی ذغال تقریباً 60 حلب 17 کیلویی برای یک تولیدکننده قرار می‌گیرد که قیمت هر حلب 500 تومان می‌باشد. در مجموع هزینه تولید برای هر کوره که به طور میانگین 900 تا 1000 کیلوگرم ذغال تولید خواهد نمود، در حدود 1/7 میلیون تومان برآورد می‌گردد.

ذغال تولید شده را در بسته بندی‌های 20 کیلویی کارتن قرار داده و بعد از وزن کردن به مشتری تحویل می‌دهند. برای رساندن ذغال به مشتری که اکثراً به استان کرمان و تقریباً استان‌های تهران، کرمانشاه، اهواز، شهر شیراز و ... می‌باشد، طی قرارداد که بین مشتری و فروشنده ذغال بسته می‌شود به فروش می‌رسد.

درآمد خالص حاصل از تولید ذغال در یک کوره، با توجه به قیمت میانگین 1900 تومان برای هر کیلوگرم ذغال تولیدی، بدون در نظر گرفتن هزینه‌ی نیروی انسانی در حدود 200 هزار تومان خواهد بود. با توجه به این که هر تولید کننده در ماه حداقل چهار بار اقدام به تولید ذغال خواهد نمود، درآمد خالص حاصل از این فعالیت در سال رقمی حدود 10 میلیون تومان را برای روستاییان به ارمغان خواهد آورد و در مقایسه با میانگین درآمد خانوارهای روستایی رقم قابل توجهی خواهد بود (یافته‌های پژوهش، 1390).

عوامل شکل‌گیری کارگاه‌های تولید ذغال در نواحی روستایی - با توجه به این که بیش از 87/4 درصد کارگاه‌های تولید ذغال در روستاهای مورد مطالعه در سال‌های پس از 1380 در منطقه فعالیت خود را آغاز کرده‌اند، می‌توان گفت که نابسامانی‌های اقتصادی ناشی از وقوع خشکسالی‌ها در منطقه یکی از عوامل نسبتاً قوی در شکل‌گیری این فعالیت اقتصادی جدید شده است. برای آگاهی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کارگاه‌های تولید ذغال در سطح 40 روستای

منطقه، تلاش شد تا به بررسی ارتباط بین تعداد کارگاه‌ها و عواملی از قبیل موقعیت روستا، ارتفاع، فاصله روستا از شهر جهرم، نرخ رشد جمعیت روستا در سال‌های 1375 تا 1385، تعداد جمعیت روستا در سال 1385، نرخ اشتغال و بیکاری روستا در سال 1385، سرانه اراضی کشاورزی و دام روستا در سال 1385 پرداخته شود.

جدول (6): رابطه بین عوامل گوناگون و شکل‌گیری کارگاه‌های تولید ذغال در روستاهای مورد مطالعه

شرح	موقعیت	ارتفاع	فاصله	نرخ رشد 85-75	تعداد جمعیت	نرخ اشتغال	نرخ بیکاری	اراضی کشاورزی	تعداد دام
تعداد کارگاه‌ها	همبستگی پیرسون	0/110	0/094	-0/082	0/003	0/012	*0/274	**0/224	-0/048
	سطح معناداری	0/512	0/374	0/626	0/985	0/941	0/037	0/009	0/773
	حجم جامعه آماری	40	40	40	40	40	40	40	40
تعداد خانه‌ها	همبستگی کندال	-0/203	*-0/203	*-0/285	0/013	-0/138	-0/103	0/139	0/063
	سطح معناداری	0/149	0/045	0/019	0/917	0/546	0/419	0/26	0/602
	حجم جامعه آماری	40	40	40	40	40	40	40	40

**همبستگی در سطح پایین‌تر از 0/01 معنادار است.

*همبستگی در سطح پایین‌تر از 0/05 معنادار است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1390.

در بررسی تعداد کارگاه‌های تولید ذغال و عوامل طبیعی (موقعیت، ارتفاع و فاصله) در آزمون‌های آماری پیرسون و کندال مشخص گردید که بین این عوامل و تعداد کارگاه‌ها در آزمون همبستگی پیرسون با توجه به سطح معناداری همبستگی معناداری وجود ندارد، اما در آزمون همبستگی کندال بین ارتفاع و تعداد کارگاه رابطه‌ی همبستگی ضعیفی برقرار است، به این معنا که با کاسته شدن از ارتفاعات بر تعداد کارگاه‌ها افزوده می‌شود، البته این ارتباط تا حدودی می‌تواند با توجه به تراکم واحدهای تولیدی ذغال در روستاهای دشتی و کوهپایه‌ای مانند آب‌شیخ، محیط آب و کوشک‌سار توجیه شود، علاوه بر این بر اساس آزمون همبستگی کندال بین فاصله‌ی روستاها از شهر جهرم و تعداد کارگاه‌های تولید ذغال رابطه معکوسی وجود دارد که بیانگر این مطلب است که با نزدیک شدن روستا به شهر بر تعداد واحدهای تولید ذغال افزوده می‌شود.

در مطالعه ارتباط بین تعداد کارگاه‌های تولید ذغال و عوامل اجتماعی (تعداد جمعیت و نرخ رشد آن) به دلیل پایین بودن سطح معناداری، هیچ رابطه‌ای در آزمون‌های همبستگی پیرسون و کندال مشاهده نگردیده است، بنابراین می‌توان گفت که پیدایش و ظهور واحدهای تولید ذغال در سطح روستاهای منطقه ارتباطی با نرخ رشد جمعیت روستاها و تعداد جمعیت آن‌ها نداشته است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، سطح رابطه معنادار قابل قبولی بین تعداد کارگاه‌های تولید ذغال و عوامل اقتصادی در آزمون همبستگی پیرسون در دو پارامتر نرخ بیکاری و سرانه اراضی کشاورزی وجود دارد، به این معنا که هرچه نرخ بیکاری در یک روستا بالاتر باشد، تعداد کارگاه‌های تولید ذغال بیشتر خواهد بود و برعکس هرچه سرانه‌ی اراضی کشاورزی در یک پایین‌تر، تعداد واحدهای تولید ذغال بیشتر می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که عوامل طبیعی و اقتصادی نقش نسبتاً قابل توجهی در شکل‌گیری واحدهای تولید ذغال در سطح روستاهای منطقه مورد مطالعه داشته‌اند.

4) بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان داده است که درصد عمده‌ای از جمعیت شاغل در روستاهای منطقه‌ی مورد مطالعه در بخش غیر کشاورزی مشغول به کارند، اما با این وجود بخش صنعت اشتغال‌زایی چندانی را در منطقه ایجاد ننموده است. به همین دلیل و وقوع خشکسالی‌های مکرر در سطح منطقه باعث شده است تا روستاییان به سمت احداث واحدهای تولیدی ذغال کشیده شوند. از سوی دیگر متوسط درآمد سالیانه‌ی خانوارهای روستایی در سطح روستاهای مورد مطالعه رقمی در حدود 4/1 میلیون تومان را نشان می‌دهد که بیانگر پایین بودن سطح درآمدی روستاییان است و با توجه به این که هر کوره‌ی ذغال در طول سال می‌تواند حدود 10 میلیون تومان (2/5 برابر درآمد سالیانه‌ی یک خانوار روستایی) درآمدزایی داشته باشد، انگیزه قوی برای روستاییان در سطح منطقه ایجاد می‌نماید. بنابراین با وجود این که در منطقه مورد مطالعه چوب قابل توجهی برای تبدیل به ذغال وجود ندارد، اما روستاییان با عقد قراردادهایی چوب را از شمال کشور تهیه و پس از تبدیل آن به ذغال و کسب ارزش افزوده آن، مجدداً ذغال تولید را به شهرهای مختلف کشور از جمله تهران، شیراز و کرمان ارسال می‌نمایند، در نتیجه یک اقتصاد فرا منطقه‌ای در زمینه تولید ذغال، تهیه مواد اولیه و بازار فروش آن در شکل گرفته است.

در این تحقیق مشخص گردید که درآمد قابل توجه واحدهای تولیدی ذغال در سطح منطقه در مقایسه با متوسط درآمد سالیانه خانوارهای روستایی از انگیزه‌های عمده برای گرایش روستاییان به تولید ذغال در منطقه می‌باشد. علاوه بر این همبستگی قابل توجه بین عوامل اقتصادی (نرخ بیکاری و سرانه اراضی کشاورزی) مؤید مطلب بالا، یعنی ارتباط بین اقتصاد خانوار روستایی و گسترش واحدهای تولیدی ذغال در سطح منطقه است.

برای بهره‌برداری بهینه از فرصت پیش آمده در سطح منطقه، راهکارهای زیر تا حدودی می‌تواند مناسب باشد:

- ایجاد کارگاه‌های بسته‌بندی ذغال به صورت نیمه‌صنعتی تا امکان صدور آن به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس فراهم شود.
- تشکیل اتحادیه برای تولیدکنندگان ذغال در سطح منطقه تا امکان هماهنگی بین آن‌ها فراهم شود، به نحوی که بتوانند نوسانات بازار را پشت سر بگذرانند.
- پوشش بیمه‌ای برای تولیدکنندگان ذغال در سطح منطقه با توجه به مخاطرات جدی که این نوع تولید دارا می‌باشد.
- برگزاری دوره‌های آموزش و ترویجی برای بهتر نمودن فرایند تولید ذغال و بالا بردن ارزش افزوده و کیفیت ذغال تولید در واحدهای تولید در سطح منطقه.

5 منابع

- استعلاجی، علی‌رضا، و مجتبی قدیری‌معصوم، (1384)، بررسی عوامل جغرافیایی در نظام استقرار سکونتگاه‌ها با تأکید بر تکنیک‌های کمی (پژوهش موردی: ناحیه ویلکیج از توابع شهرستان نمین)، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 53، صص 121-136.
- آسایش، ح، (1374)، اقتصاد روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- آمار، تیمور، سید رحیم‌مشیری و مسعود مهدوی، (1383)، ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 50، صص 143-161.
- بخشداری سیمکان، (1388)، آخرین وضعیت تقسیمات کشوری بخش سیمکان شهرستان جهرم.
- جوان جعفر، مهدی سقایی، (1382)، رهیافتی برای تنوع اقتصاد روستایی (تلفیق کشاورزی و گردشگری)، مجموعه مقالات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- سعیدی، عباس، (1379)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- عنابستانی، علی اکبر، (1382)، پایداریسازی اقتصاد روستایی از طریق یکپارچه نمودن توان‌های تولیدی کشاورزی (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی رخ - کدکن شهرستان تربت حیدریه)، استاد راهنما: دکتر حمید شایان، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- کرمی، ناصر، (1381)، جهرم، جلد اول، چاپ اول، انتشارات مصلی نژاد، جهرم.
- مرکز آمار ایران، (1385)، شناسنامه آبادی‌های کشور - شهرستان جهرم سال‌های 1375 و 1385.
- مرکز آمار ایران، (1389)، هزینه - درآمد خانوارهای روستایی استان فارس در سال 1388.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، (1382)، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- مهدوی، مسعود، (1383)، مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران (شناخت مسایل جغرافیایی روستاها)، انتشارات سمت، تهران.
- نوری، سید هدایت الله و نرگس علی‌محمدی، (1388)، تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه براآن، شهرستان اصفهان)، مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال 20، شماره 34، صص 87-104.
- هاشمی‌داران، حسن، (1378)، پنج مقاله در باب نیروی انسانی در بخش کشاورزی، موسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- یاسوری، مجید، (1386)، مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر)، مشهد.